

بررسی شاخصه اخلاق اسلامی و مؤلفه‌های آن در برنامه درسی مدارس متوسطه ایران (مطالعه موردی؛ کتب علوم اجتماعی) جواد آقامحمدی*

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی میزان توجه به شاخصه اخلاق و مؤلفه‌های آن در کتب علوم اجتماعی در دوره متوسطه نظری است. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی است و عناوین و مصادیق هر یک از مؤلفه‌های داده با استفاده از چک لیستی از معیارهای شاخصه اخلاقی در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و عمومی جمع آوری شده است. جامعه آماری شامل کلیه کتب علوم اجتماعی مقطع متوسطه نظری، رشته ادبیات و علوم انسانی است که در مجموع چهار کتاب در نظر گرفته شده است؛ بنابراین، از روش سرشماری به عنوان نمونه استفاده شده است. برای سنجش میزان پرداخت و تحلیل سؤالات از آمار توصیفی سود برده شده است. در نهایت پس از بررسی کلی این نتایج، به این نکته پی می‌بریم که میزان توجه به شاخصه اخلاق در بُعد سیاسی در کتب علوم اجتماعی دوره متوسطه ۲۷ درصد، در بُعد اجتماعی (خانوادگی و شهروندی) ۴۹ درصد، در بُعد اقتصادی ۱۰ درصد و در بُعد عمومی ۱۴ درصد است که بین

*- دانشجوی دکتری علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.

شاخصه اخلاق در ابعاد مختلف توازن خاصی برقرار نبوده و نیست و می‌تولد مسئولان تعلیم و تربیت در بازنگری‌های آتی خود به آن توجه نمایند.

واژه‌های کلیدی

اخلاق، اخلاق اقتصادی، اخلاق سیاسی، اخلاق اجتماعی، اخلاق و دین، کتب علوم اجتماعی.

مقدمه

بدون تردید سازندگی درونی انسان و اصلاح و تهذیب نفس او در سعادت فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی او نقش به‌سزایی دارد، به طوری که اگر انسان تمامی علوم را تحصیل کند و کلیه نیروهای طبیعت را به تسخیر خویش درآورد؛ اما از تسخیر درون و تسلط بر نفس خود ناتوان باشد، از رسیدن به سعادت و نیل به کمال باز خواهد ماند. تمامی پیشرفت‌های علمی و صنعتی در صورتی که با اصلاح درون انسان همراه نباشد، مانند کاخ‌های سر به فلک کشیده‌ای هستند که بر فراز قلعه آتشفشان بنا شده باشند؛ از این رو، تربیت همه‌جانبه و در یک کلام «برنامه انسان‌سازی» برای هر جامعه‌ای امری به غایت جدی و حیاتی است. با وجود این، نگاهی به اوضاع جوامع بشری نشان می‌دهد آنچه قبل از همه به دست فراموشی سپرده شده، تربیت اخلاقی و معنوی انسان است. تمامی نابسامانی‌های موجود در سطح جهان و انواع گرفتاری‌هایی که امروزه بشریت با آن دست به‌گریبان است، همه ناشی از غفلت انسان از امر «تربیت» و سازندگی روحی و اخلاقی خویش است. درباره حساسیت تربیت اخلاقی همین بس که حضرت سجاد علیه السلام از دست نفس به درگاه احدیت شکوه برده و چنین می‌فرمایند:

«خدایا از دست نفسی که به سوی پلیدی‌ها سوق می‌دهد و به طرف لغزش‌ها پیشی می‌گیرد و به انجام معاصی حرص می‌ورزد، به درگاه تو شکایت می‌کنم.»



حال جای این سؤال است که با نفسی که هر لحظه دل به میلی می سپارد و امام از دست او به درگاه الهی شکایت می برد، چه باید کرد؟ آنچه مسلم است، رهاشدن از شر نفس و گام برداشتن در راه انسانیت و فضیلت، چیزی نیست که به این سهولت نصیب کسی شود و گرنه از آن تعبیر به جهاد اکبر و جهاد افضل نمی کردند و فاتحان این نبرد را قهرمان نمی نامیدند. بدون تردید برای مبارزه با چنان نفس سرکش، پشتوانه محکمی از بصیرت و ایمان لازم است و گرنه اراده ای که تنها متأثر از حالات و احساس های زودگذر روحی باشد، پس از چند صباحی شکست خورده و شخص را نیز به شکست می کشاند. (سادات، ۱۳۸۲: ۱۸) تاکنون تحقیقات مختلفی در زمینه تربیت اخلاقی و اخلاق مداری انجام شده است که هر یک از آنها از زوایای خاصی به موضوع نگریسته اند که می توان به تحقیقات اسماعیلی فر (۱۳۹۰)، ایمانی و بابایی (۱۳۸۷)، معصومی نیا (۱۳۸۶)، غلامی (۱۳۸۸)، بختیارنصرآبادی و همکاران (۱۳۹۰)، فرمehنی فراهانی و همکاران (۱۳۸۸) و شمسینی غیاثوند (۱۳۸۹) اشاره کرد؛ اما درباره بحث حاضر، تحقیقات بسیار اندکی صورت گرفته است که در زیر به تعدادی از آنها اشاره می شود.

آتشک و دیگران (۱۳۹۱) (آتشک و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۴)، در تحقیقی با عنوان «بازتاب مفاهیم اخلاق جهانی در اهداف آموزش و پرورش ایران» و پس از بررسی کتب درسی سه دوره تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی و متوسطه)، به چند گزاره مهم اشاره کرده اند؛ به مفهوم اخلاقی صلح بی توجهی کامل و به مفاهیم اخلاقی شأن و منزلت، گشاده رویی، بردباری، اعتماد، دوستی و رفاقت کم توجهی شده است و مفاهیم وفاداری، مسئولیت پذیری، تعهد و وظیفه شناسی، احترام و ادب بیشترین میزان توجه را به خود اختصاص داده اند. نتایج پژوهش مربوط به جمالی زاده (۱۳۸۴) (جمالی زاده، ۱۳۸۴) که به شناسایی آموزه ها و مفاهیم اخلاقی موجود در کتاب های درسی دوره ابتدایی پرداخته است، نشان می دهد که به رعایت اصول اخلاقی در تمامی پایه ها اهمیت داده شده است؛

هم چنین، در حیطه مفاهیم اخلاقی در رابطه با دیگران، نوعی عدم تعادل مشاهده شده است. بیشتر مفاهیم اخلاقی از طریق کتاب های دینی ارائه شده است. مفاهیم اخلاقی درباره خدا، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. علی زاده و دیگران (۱۳۸۸)، (علی زاده و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۰-۱۰۱) در تحقیقی که به بررسی شناسایی و طبقه بندی آموزه ها و مفاهیم اخلاقی در کتاب های درسی پایه اول دوره راهنمایی تحصیلی پرداخته است، یادآور می شود که مفاهیم اخلاقی در ارتباط به خود، در ارتباط به جامعه، در ارتباط به دیگران و در ارتباط به جهان پیرامونی، به ترتیب از بیشترین فراوانی برخوردار بوده است. شعبانی (۱۳۸۴)، (شعبانی، ۱۳۸۴: ۱۲۰-۱۴۰) در پژوهش خود با عنوان «بررسی تطبیقی برنامه های درسی دینی و اخلاقی دوره ابتدایی در ایران و چند کشور جهان، به این نکته مهم و با ارزش اشاره می کند که در این کشورها، آموزش اخلاق، بیشتر در مقطع متوسطه انجام می گیرد و در مقطع ابتدایی که بسیار حساس و حیاتی است، توجه زیادی به آن نشده است. در تحقیقی دیگر که توسط زرین پوش (۱۳۶۶)، (زرین پوش، ۱۳۶۶: ۱۰) درباره تربیت اخلاقی در برنامه درسی دوره ابتدایی تحصیلی صورت گرفته است، به مفاهیمی از جمله مهربان بودن، مفید بودن و اجتماعی رفتار کردن، بیش از حد انتظار توجه شده است؛ اما به دیگر مفاهیم و اصول اخلاقی دیگر توجه مطلوبی نشده است. کلبعلی (۱۳۸۴)، (کلبعلی، ۱۳۸۴: ۶۹-۷۷) در تحقیقی با عنوان «بررسی محتوای کتاب های دینی» تعلیمات اجتماعی و ادبیات فارسی مقاطع ابتدایی و راهنمایی، درباره آشناسازی دانش آموزان با ارزش های اسلامی ایرانی، به این نکته اشاره می کند که در محتوای کتب تعلیمات اجتماعی به مسائل و ارزش های اجتماعی و موضوعاتی مانند واقعیت جامعه، فرهنگ و مسایل روز توجه شده است؛ اما به ارزش های بنیادین اسلامی و احکام آن به طور جدی نپرداخته است.

همان گونه که در بالا اشاره شد، تحقیقات محدودی درباره مفاهیم اخلاقی و مؤلفه های آن در برنامه درسی مدارس، مخصوصاً در دوره متوسطه و کتب علوم

اجتماعی، انجام شده است؛ از این رو، انجام چنین پژوهشی که بتواند تقریباً اکثر مؤلفه‌های اصلی مفهوم اخلاق را در یک تحقیق پوشش دهد، امری لازم و ضروری می‌نمود و ضمناً به مسئولان و دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت کشور این امکان را می‌دهد که در صورت امکان نسبت به بازنگری و تجدیدنظر در محتوای برنامه‌های درسی اقدام نمایند یا حداقل آن را در برنامه‌های آتی خود مدنظر قرار دهند.

تعاریف و مفاهیم

تعریف اخلاق:^۱ اخلاق در لغت، جمع واژهٔ خُلُق و به معنی خوبی‌ها است؛ از این رو، دانش بررسی و ارزش‌گذاری بر خوبی‌ها و رفتارهای آدمی، علم اخلاق نامیده می‌شود. انواع رفتارهای انسانی بر مبنای دو اصل توارث و تربیت در افراد جامعه شکل می‌گیرد. (فرهود، ۱۳۸۶: ۱-۶) غزالی در تعریف اخلاق می‌نویسد:

«حالتی است راسخ و مؤثر در روان انسان که در اسیه آن - بدون اندیشه و

تأمل - افعال و رفتار از بشر صادر می‌شود.» (حجتی، ۱۳۸۵: ۲۹۹)

صفات نفسانی که در نفس انسان رسوخ کرده و پایدار شده باشد، اخلاق گویند. (خواص و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۶) از نگاه علامهٔ جعفری، اخلاق، شکفتن شخصیت آدمی در مسیر حیات معقول است. استاد مطهری، اخلاق را نوعی تربیت، به معنای کسب خلق، حالت و عادت می‌داند. (غلامی، ۱۳۸۸: ۶۵-۸۵) اخلاق از دید علامهٔ طباطبائی، فنی است که در آن دربارهٔ ملکات نفسانی بحث می‌شود، ملکاتی که مربوط به قوای نباتی و حیوانی و انسانی اوست؛ با این غرض بحث می‌کند که فضایل آن‌ها را از ردایزش جدا سازد و معلوم کند که

کدام یک از ملکات نفسانی انسان خوب و دارای فضیلت و مایه کمال اوست و کدام یک بد و از صفات رذیله شمرده می شود و مایه نقص اوست تا آدمی بعد از شناسایی آن ها خود را به فضایل آراسته سازد و از رذایل دور نماید و در نتیجه، اعمال نیکی که مقتضای درونی است، انجام دهد تا در اجتماع انسانی، ستایش عموم و ثنای جمیل جامعه را به خود جلب کرده، سعادت علمی و عملی خود را به کمال برساند؛ (اسماعیلی فر، ۱۳۹۰: ۱۱، ۱۲۹-۱۶۰) بنابراین، در یک نگاه کلی می توان گفت که اخلاق در معنای سرشت، طبیعت، عادت و خلق و خو به کار رفته است؛ البته، در تحلیل اخلاق، رفتار نیکو و رفتار زشت بر آن مترتب است؛ آنجا که از اخلاق خوب و نیکو سخن به میان می آید، به ملکات فضیله و آنجا که از رفتار زشت و اعمال بد سخن به میان آمده، به ملکات رذیله تعبیر شده است.

تربیت: تربیت از ریشه «ربو» و از باب تفعیل است. در این ریشه، معنای زیادت و فزونی می دهد و با توجه به ریشه آن، به معنی فراهم آوردن موجبات فزونی و پرورش است و از این رو، به معنی تغذیه طفل به کار می رود؛ اما علاوه بر این، تربیت به معنی تهذیب نیز استعمال شده که به معنی زدودن خصوصیات ناپسند اخلاقی است. گویا در این استعمال، نظر بر آن بوده است که تهذیب اخلاقی، مایه فزونی مقام و منزلت معنوی است و از این جنبه، می توان تهذیب را تربیت دانست. (باقری، ۱۳۸۴: ۳۷) تربیت در لغت به معنی نشو و نمادادن، زیاد کردن، برکشیدن و مرغوب یا قیمتی ساختن است. در این معنی اخیر، تربیت از حد افراط و تفریط بیرون آوردن و به حد اعتدال سوق دادن، تعریف شده است. (شکوهی، ۱۳۷۸: ۲) تربیت، فرآیندی است که به عوامل و شرایط بیرونی و زمینه ها و انگیزه های درونی بستگی دارد و به معنای فراهم آوردن زمینه های مناسب برای شکوفایی استعدادها و پرورش توانایی های نهفته برای رسیدن به هدف های مدنظر است. درباره انسان علاوه بر آنچه گفته شد، تربیت معطوف است به زمینه سازی برای تحول ارادی و آگاهانه و ایجاد رفتارها و حالات

مطلوب و حذف حالات و رفتارهای نامطلوب و رشد متوازن که مایهٔ فزونی منزلت معنوی انسان شود. (جمالزاده، ۱۳۸۵: ۷۱-۹۰) از دیدگاه صاحب‌نظران علم اخلاق، فراهم آوردن زمینه برای رشد و پرورش استعدادهای درونی هر موجود و به ظهور و به فعلیت رسانیدن امکانات بالقوهٔ موجود در درون او را تربیت می‌نامند. (سادات، ۱۳۸۲: ۷) تربیت، ایجاد کردن یا فعلیت بخشیدن به هر نوع کمالی در انسان است که مطلوبیت و ارزش داشته باشد؛ (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۹) بنابراین، در یک جمله بندی کلی، می‌توان گفت: «هر گونه تغییرات مطلوب که باعث رفتار مثبت و مطلوب در انسان شود، تربیت نامیده می‌شود و این تغییرات باید در رفتار، گفتار، نگرش و اعمال آن‌ها بروز و ظهور نماید.»

تربیت اخلاقی: تربیت اخلاقی، فرآیند زمینه‌سازی و به کارگیری شیوه‌هایی برای شکوفاسازی، تقویت و ایجاد صفات، رفتارها و آداب اخلاقی و اصلاح و از بین بردن صفات، رفتارها و آداب غیر اخلاقی در خود انسان یا دیگری است. (ایمانی و بابائی، ۱۳۸۷: ۸۱-۱۰۴) از دیدگاه امام صادق علیه السلام، تربیت اخلاقی همان پاک کردن غبار فراموشی از فطرت انسانی است و از طرف دیگر، پرورش استعدادهای نهفتهٔ وی برای کسب فضایل اخلاقی است و واداشتن نفس انسانی است به تمرین و ممارست در آنچه به خوبی و خیر اخلاقی تعبیر می‌شود و انسان را به سوی رشد و تعالی الهی رهنمون می‌سازد و دوری از آنچه انسان را از خداوند و سعادت ابدی دور می‌سازد. (فرمehینی، ۱۳۸۸: ۶۵-۷۹) در نگاه امام علیه السلام، تربیت اخلاقی دارای ابعاد مختلفی است که خدامحوری، بندگی خداوند متعال، عقلانیت، گرایش به نیکی و فضایل اخلاقی و دوری از رذایل و پستی‌ها از آن جمله‌اند.

نگاه اسلام به اخلاق: اخلاق در دین اسلام جایگاه ویژه و والایی دارد، به گونه‌ای که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هدف بعثت خود را تتمیم مکارم اخلاقی برشمرده‌اند یا امام صادق علیه السلام ملاک کمال ایمان را پایبندی به ارزش‌های اخلاقی دانسته‌اند. قرآن کریم، تزکیهٔ نفوس را در جایگاه یکی از اهداف رسالت

پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله ذکر فرموده است. (معصومی نیا، ۱۳۸۶: ۱۱۹-۱۴۸) از منظر حضرت علی علیه السلام، آنچه مایه برتری آدمیان و سبب والایی شأن است، کرامت اخلاقی است و این کرامت‌ها در اداره امور نقشی اساسی دارد. روایت شده که آن حضرت فرمود: «بر شما باد به مکارم اخلاق که آن سبب والایی است.»، والایی مردمان و اعتبار آنان به مکارم اخلاق در آنان است و کسانی که در جایگاه اداره امور قرار می‌گیرند، بیش از هر چیز به مکارم اخلاق و بزرگواری‌های انسانی نیازمندند که روابط انسان‌ها بدون کرامت‌های اخلاقی، روابط خشک و نادرست خواهد شد.

اخلاق اسلامی یک اخلاق انتزاعی، خشک و بی‌ارتباط با سلسله نیازهای طبیعی و فطری انسان‌ها نیست؛ از این رو، نه فقط ناظر به تنظیم مناسبات انسان با خدا و عالم ماوراء است، بلکه به صورتی چشم‌گیرتر، بر روابط انسان با خود، با طبیعت و با دیگر انسان‌ها، تأثیر می‌گذارد و موجبات طراوت و شادابی، بالندگی، پویایی، سلامت و پایایی همه عرصه‌ها و قلمروهای زیست بشری را فراهم می‌سازد. (غلامی، ۱۳۸۸: ۶۵-۸۵) در راستای اهمیت اخلاق اسلامی، مشاهده می‌شود که معارف اخلاقی به منظور تهذیب نفس انسان و تعالی اوست تا بتواند امکان خودسازی را برایش فراهم سازد و در صورت استمرار چنین تهذیبی، انسان را به رستگاری می‌کشاند. هر چند واژه اخلاق و نیز خلق در قرآن کریم به کار نرفته است؛ اما واژه خلق ذکر شده است. خداوند در سوره مبارکه قلم، آیه ۴ در ستایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «به راستی که تو را خویی والاست.» و به این گونه خداوند متعال در قرآن کریم، پیامبر را که متخلق به اخلاق متعالی بوده، ستوده و در توصیفش به اخلاق بردبارانه توصیف فرموده است. (مروتی و ساکی، ۱۳۹۰: ۲۷-۵۹) با همه این اوصاف، خداوند متعال در قرآن کریم، به صورت مستقیم و غیرمستقیم و در سطح بسیار وسیع و گسترده از اخلاق سخن به میان آورده است و این در جهت نیاز انسان به مقوله اخلاق و اهمیت و ضرورت و تسریع گسترش و تعمیق تعلیمات اخلاقی در میان مردم

است. انبیاء و اولیاء خداوند هم مکلف بوده‌اند تا با سعه صدر و اخلاق نیکو و نرم‌خویی، رسالت خود را به پیش ببرند.

اخلاق اجتماعی: اخلاق اجتماعی به مثابه یکی از دغدغه‌های اصلی جامعه بشری، همواره مورد توجه متفکران و صاحب‌نظران جوامع بوده و آن‌گونه که تجربه نشان داده، انسان در هیچ دوره‌ای، حتی در ادوار اخیر که ظاهراً پیشرفت‌های فراوانی حاصل شده، بی‌نیاز از اخلاق اجتماعی نبوده است. (نصرآبادی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۹، ۱۳۹-۱۶۵) یکی از اندیشمندان غربی که در حوزه اخلاق تأثیرات بسیار زیادی روی مخاطبان خود داشته است، «کارل پوپر» فیلسوف معاصر است که انسان بدون اخلاق را موجودی ناقص می‌داند.

اخلاق اقتصادی: اخلاقیات اقتصادی، مجموعه‌ای از ضوابط و معیارهاست که کارگزاران اقتصادی با رعایت آن ضمن کسب منفعت شخصی، به منافع جامعه آسیب نمی‌رسانند و نتیجه این خواهد بود که منافع اجتماعی حداکثر خواهد شد. رعایت توصیه‌های اخلاقی اسلام در زمینه اقتصاد، باعث شکوفایی و رشد مطلوب اقتصادی همراه با شکوفایی ارزش‌های انسانی خواهد بود. علم اقتصاد، در بستر فلسفه اخلاق متولد و رشد نمود و به صورت یکی از شاخص‌های اخلاق مطرح شد. اسلام به عنوان دینی جامع از ابتدای ظهورش تمامی فعالیت‌های اقتصادی را با ارزش‌های اخلاقی توأم نموده است. اخلاقیات اسلامی در زمینه‌های اقتصادی می‌تواند زمینه‌ساز نظام اقتصادی ویژه خود باشد. آموزه‌های اخلاقی اسلام بسیارند و همه عرصه‌های اقتصاد را در بر می‌گیرند. با اندکی دقت آشکار می‌شود که قسمت عمده این تعالیم، منحصر به فرد هستند و با نظام ارزشی ساختارهای اقتصادی مطرح، به‌ویژه نظام سرمایه‌داری تفاوت اساسی دارد. تعالیم اخلاقی اسلام در زمینه اقتصاد از آموزه‌های فقط اقتصادی اسلام جدا نیستند. اسلام خواسته است آحاد جامعه اسلامی با عمل به این تعالیم از درون ساخته شوند تا هنگامی که به فعالیت اقتصادی پرداختند علاوه بر اینکه اقتصاد را به درجه بالایی رشد و شکوفایی می‌رسانند، قدم‌های بزرگی در مسیر

کمالات انسانی بردارند. (معصومی نیا، ۱۳۸۶: ۱۱۹-۱۴۸) با این اوصاف نیاز است تا تعالیم اخلاقی اسلامی در زمینه اقتصاد را شناسایی کنیم تا در دام خطرناک التقاتل نیفتیم و در نظام سرمایه داری هم جذب و هضم نشویم؛ چرا که نظام سرمایه داری ظاهری بسیار زیبا و فریبنده دارد.

اخلاق سیاسی: هدف از سیاست، بهبود زندگی بشری و سعادت انسانها است. در این راستا هر چیزی که بتواند کارکرد سیاست را افزایش دهد، مورد توجه قرار می گیرد. اخلاق، از جمله مسائلی است که لازمه و پشتوانه کارکرد مطلوب سیاست است. به همین دلیل مسئله تعامل اخلاق و سیاست، چگونگی این تعامل، چگونگی ارائه تعریفی از سیاست برای ارتباط با اخلاق، تحول در مفهوم سیاست و مسئله اخلاق، تفکیک بین اخلاق (فردی و جمعی)، مصلحت ملی و قدرت و اخلاق و غیره، از زمان شروع سیاست تاکنون مورد توجه سیاستمداران، فلاسفه و متفکران قرار گرفته است؛ اما آنچه که باعث نزدیکی یا دوری هر چه بیشتر اخلاق و سیاست می شود، هدف و غایت آنهاست؛ زیرا، هدف و غایت هر دوی آنها سعادت بشر، اعم از دنیوی و رفاه بشری یا الهی و اخروی و اهدافی از قبیل کاهش شرارت های بشری، بهبود در روابط اجتماعی، کرامت انسانها و غیره است. در هر زمانی که جامعه انسانی مورد تهدید و چالش های اساسی و بنیادی اخلاقی قرار می گیرد، فکر ایجاد جامعه اخلاقی و تعامل اخلاق و سیاست ضروری می شود. جامعه قرن بیستمی جهان نیز، در حالت بحران اخلاقی، افول ارزش های اخلاقی و بحران بی معنای زندگی، افسون زندگی جدید و غیره به سر می برد. جامعه قرن بیستمی غرب را می توان جامعه ای فاقد اخلاق دانست، به گونه ای که غربت اخلاق در اکثر موارد به خصوص سیاست چشم گیر است. بدین جهت متفکران اخیر در صدد فهم چرایی این چالش ها و ارائه راه کارها برآمدند. بدیهی است اندیشه های ارائه شده از سوی این متفکران، اندیشه هایی خلاق باشند. این متفکران، یگانه عامل ایجاد مطلوب دموکراسی در کشورها را بهزیستی انسانها و رفع بحران های ارزشی و معنوی

در ایجاد یک جامعه اخلاقی و تحول در مفهوم و غایت سیاست دانسته‌اند؛ (شمسینی غیاثوند، ۱۳۸۹: ۲۹-۴۹) پس، بین سیاست و اخلاق رابطه‌ای تعاملی و متقابل برقرار است و تأثیر و تأثر در هریک از دو مفهوم، به‌طور مستقیم بر دیگری اثرگذار خواهد بود و همان‌گونه که اشاره شد، باید هدف و غایت سیاست اخلاقی، رفاه بیشتر انسان‌ها بر مبنای اخلاقیات اساسی و اصولی باشد و در این راه انسان نباید وسیله نیل به هدف قرار گیرد.

جلوه‌هایی از اخلاق سیاسی در رفتار رسول اکرم صلی الله علیه و آله

زندگانی رسول اکرم صلی الله علیه و آله از جنبه سیاسی بسیار قابل مطالعه و درس آموز است. آن حضرت با شریعت جدیدی که از جانب خدای سبحان به آن مبعوث شد، دین جدید و نظام حکومتی تازه و بدیعی را در سرزمین جزیره العرب پی افکند و حرکت عظیمی که ایشان در سرزمین مکه آغاز کرد، در حالی که ضعف شدید سیاسی، حاکم بود و دشمنان قدرتمند و مقتدری داشت، می‌تواند برای کسانی که به دنبال به دست‌گیری قدرت حکومتی در هر کشوری هستند، آموزنده باشد. این مطالعه و درس آموزی، نه فقط از دید مسلمانان و به‌عنوان تأسی به عمل پیشوای دین اسلام اهمیت دارد؛ بلکه از دید هر کس که دستی در سیاست دارد یا درباره فلسفه سیاسی مطالعه می‌کند، (مفتح، ۱۳۸۷: ۱۰۲-۱۲۸) تأمل برانگیز است. اینک به ذکر مصادیقی از سیاست مبتنی بر اخلاق آن حضرت می‌پردازیم:

۱. قاطعیت و جدیت در اهداف؛
۲. درک شرایط زندگانی پیروان؛
۳. همراهی با رعیت در امور خرد و کلان؛
۴. اهتمام به وحدت و انسجام ملی و مقابله با تفرقه افکنی‌ها؛
۵. قانون‌مداری در امر حکومت؛
۶. قاطعیت در امر حکومت و ریشه کن کردن توطئه دشمنان داخلی؛



۷. همواره در دسترس رعایا بودن؛

۸. عفو و عدم انتقام از دشمنان پس از غلبه بر آنها؛

۹. عدم جنگ افروزی در عین ایجاد و حفظ آمادگی نظامی.

سؤالات تحقیق

۱. آیا در کتب علوم اجتماعی متوسطه به شاخصه اخلاق در بُعد سیاسی توجه شده است؟
۲. آیا در کتب علوم اجتماعی متوسطه به شاخصه اخلاق در بُعد اجتماعی توجه شده است؟
۳. آیا در کتب علوم اجتماعی متوسطه به شاخصه اخلاق در بُعد اقتصادی توجه شده است؟
۴. آیا در کتب علوم اجتماعی متوسطه به شاخصه اخلاق در بُعد عمومی توجه شده است؟

روش تحقیق

طرح به کار گرفته شده در این تحقیق، توصیفی- تحلیلی است. تحقیقات توصیفی، مجموعه روش هایی است که هدف آنها، توصیف کردن شرایط یا پدیده های مورد بررسی و تحلیل است؛ یعنی محقق با وزن کردن و ارزش بخشیدن به قسمت های ذهنی محتوا که قابل اندازه گیری نیستند، سعی می کند به تفسیر آنها نایل آید. در تحقیق حاضر، کتب علوم اجتماعی مقطع متوسطه نظری رشته ادبیات و علوم انسانی، پایه های اول، دوم، سوم و چهارم بر اساس شاخصه اصلی اخلاق و چهار مؤلفه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و عمومی که هریک از آنها با ذکر چند مصداق عینی تعریف و تعیین شده اند، مورد تحلیل قرار گرفته اند. ذکر این نکته لازم و ضروری است که مؤلفه ها و مصادیق

به کار گرفته شده در این تحقیق، همان مصادیقی هستند که شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسات مختلف خود تصویب و ابلاغ کرده است.

روش گردآوری داده‌ها

روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق با استفاده از چک لیستی از معیارهای اخلاقی که ذکر شد و اسناد و مدارک مکتوب شامل: کتب، مقالات و فصلنامه‌ها است و تحلیل داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی در قالب فراوانی، درصد، میانگین صورت گرفته است تا تصویر منظم و قابل قبولی به مخاطب ارائه کند.

جدول (۱): شاخصه اخلاق، ابعاد و مؤلفه‌های آن

شاخص	ابعاد	زیر مؤلفه‌ها
	سیاسی	عدم خودباختگی، عدم دنیاطلبی، عدم جدایی اخلاق از سیاست، شایسته‌سالاری در واگذاری مسئولیت‌ها، حمایت از محرومین، تعهد و تکلیف به ارزش‌های دینی، روحیه جهادگری و مبارزه و عدم پرده‌داری، حرمت‌شکنی و قانون‌گریزی.
اخلاق	اجتماعی	احترام به جایگاه زن در خانواده، صلۀ ارحام (ارتباط با خویشان درجه ۲ و ۱)، احترام به والدین و بزرگان خانواده، علاقه جوانان به خانواده خود، پیروی جوانان از ارزش‌های اخلاقی والدین، نام‌گذاری نیکو برای فرزندان، عدم هرج و مرج در روابط زن و مرد در بین خویشاوندان، حُسن معاشرت بین افراد خانواده، دعوت به خیر جمعی، احترام جوانان به جامعه بزرگسال، رعایت الگوهای اسلامی، ملی و سنتی، احساس مسئولیت اجتماعی و رعایت حقوق دیگران در رفتار اجتماعی.
	اقتصادی	ارجحیت ارزش‌های انسانی بر ارزش‌های مادی، اصالت منافع عمومی و رضایت الهی در فعالیت‌های اقتصادی، نفی رفاه‌طلبی و مصرف‌زدگی، انفاق، وقف، پرهیز از مفاسد اقتصادی، قناعت و ساده‌زیستی، حفظ محیط زیست در فعالیت‌های اقتصادی، اخلاق حرفه‌ای در حوزه کسب و کار، تکدی‌گری، سخاوت و تولید ثروت حلال به‌عنوان یک ارزش.
	عمومی	شجاعت، فداکاری، صبر، توجه به خودسازی، عدم رواج ظاهرگرایی و مقدس‌مآبی، عدم ریاکاری، نفاق و تملق، پرهیز از زهد ناصواب و ترک دنیا و وجدان‌کاری.

یافته‌های پژوهش

۱. آیا در کتب علوم اجتماعی متوسطه به شاخصه اخلاق در بُعد سیاسی توجه شده است؟

شاخصه اخلاق در بُعد سیاسی در هشت بند بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی طبقه‌بندی شده است که عبارتند از: عدم خودباختگی، عدم دنیاطلبی، عدم جدایی اخلاق از سیاست، شایسته‌سالاری در واگذاری مسئولیت‌ها، حمایت از محرومین، تعهد و تکلیف به ارزش‌های دینی، روحیه جهادگری و مبارزه و عدم پرده‌داری، حرمت‌شکنی و قانون‌گریزی.

جدول (۲): فراوانی و درصد میزان توجه به شاخصه اخلاق‌مداری در بُعد سیاسی

موضوع: اخلاق‌مداری در بُعد سیاسی		نام کتاب	پایه کلاس‌ها
درصد فراوانی	فراوانی		
۲۹	۶	مطالعات اجتماعی	اول
۹	۲	جامعه‌شناسی ۱	دوم
۱۹	۴	جامعه‌شناسی ۲	سوم
۴۳	۹	علوم اجتماعی	پیش‌دانشگاهی
۱۰۰	۲۱	۴	جمع

در کتب علوم اجتماعی دوره متوسطه نظری، با توجه به تحلیل موضوعی محتوای کتاب‌های یادشده، هم‌چنان که در جدول شماره (۲) دیده می‌شود، در پایه اول ۲۹ درصد، در پایه دوم ۹ درصد، در پایه سوم ۱۹ درصد و در پایه چهارم (پیش‌دانشگاهی) ۴۳ درصد به شاخصه اخلاق در بُعد سیاسی با مصادیق یادشده، پرداخته شده است که از نظر کمی در پایه چهارم (پیش‌دانشگاهی) بیشترین میزان توجه به اخلاق در بُعد سیاسی و کم‌ترین آن در پایه دوم لحاظ شده است. ضمناً پراکندگی ابعاد و مؤلفه‌های اخلاق در بُعد سیاسی در کتب



علوم اجتماعی یکسان نبوده است، چنانکه به بعضی از مؤلفه‌ها زیاد پرداخته شده است و به برخی دیگر در حد بسیار کم یا اصلاً توجهی نشده است.

۲. آیا در کتب علوم اجتماعی متوسطه به شاخصه اخلاق در بُعد اجتماعی (خانودگی و شهروندی) توجه شده است؟

شاخصه اخلاق در بُعد اجتماعی در سیزده بند بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی طبقه‌بندی شده است که عبارتند از: احترام به جایگاه زن در خانواده، صلّه ارحام (ارتباط با خویشان درجه ۱ و ۲)، احترام به والدین و بزرگان خانواده، علاقه جوانان به خانواده خود، پیروی جوانان از ارزش‌های اخلاقی والدین، نام‌گذاری نیکو برای فرزندان، عدم هرج و مرج در روابط زن و مرد در بین خویشاوندان، حُسن معاشرت بین افراد خانواده، دعوت به خیر جمعی، احترام جوانان به جامعه بزرگسال، رعایت الگوهای اسلامی، ملی و سنتی، احساس مسئولیت اجتماعی و رعایت حقوق دیگران در رفتار اجتماعی.

جدول (۳): فراوانی و درصد میزان توجه به شاخصه اخلاق‌مداری در بُعد اجتماعی (خانودگی و شهروندی)

موضوع: اخلاق‌مداری در بُعد اجتماعی (خانودگی و شهروندی)		نام کتاب	پایه کلاس‌ها
فراوانی	درصد فراوانی		
۱۵	۳۸	مطالعات اجتماعی	اول
۱۰	۲۶	جامعه‌شناسی ۱	دوم
۱۰	۲۶	جامعه‌شناسی ۲	سوم
۴	۱۰	علوم اجتماعی	پیش‌دانشگاهی
۳۹	۱۰۰	۴	جمع

در کتاب‌های علوم اجتماعی دوره متوسطه نظری، با توجه به تحلیل موضوعی محتوای کتاب‌های یادشده، هم‌چنان که در جدول شماره (۳) دیده می‌شود، در پایه اول ۳۸ درصد، در پایه دوم ۲۶ درصد، در پایه سوم ۲۶ درصد و در پایه چهارم (پیش‌دانشگاهی) ۱۰ درصد به شاخصه اخلاق در بُعد اجتماعی

(خانوادگی و شهروندی) با مصادیق یادشده، پرداخته شده است که از نظر کمی در پایه اول بیشترین میزان توجه به اخلاق در بُعد اجتماعی و کمترین آن در پایه چهارم لحاظ شده است. ضمناً پراکندگی ابعاد و مؤلفه های اخلاق در بُعد اجتماعی در کتب علوم اجتماعی یکسان نبوده است، چنانکه به بعضی از مؤلفه ها زیاد پرداخته شده است و به برخی دیگر در حد بسیار کم یا اصلاً توجهی نشده است.

۳. آیا در کتب علوم اجتماعی متوسطه به شاخصه اخلاق در بُعد اقتصادی توجه شده است؟

شاخصه اخلاق در بُعد اقتصادی در دوازده بند بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی طبقه بندی شده است که عبارتند از: ارجحیت ارزش های انسانی بر ارزش های مادی، اصالت منافع عمومی و رضایت الهی در فعالیت های اقتصادی، نفی رفاه طلبی و مصرف زدگی، انفاق، وقف، پرهیز از مفاسد اقتصادی، قناعت و ساده زیستی، حفظ محیط زیست در فعالیت های اقتصادی، اخلاق حرفه ای در حوزه کسب و کار، تکدی گری، سخاوت و تولید ثروت حلال به عنوان یک ارزش.

جدول (۴): فراوانی و درصد میزان توجه به شاخصه اخلاق مداری در بُعد اقتصادی

موضوع: اخلاق مداری در بُعد اقتصادی		نام کتاب	پایه کلاس ها
فراوانی	درصد فراوانی		
۷	۸۷	مطالعات اجتماعی	اول
-	۰	جامعه شناسی ۱	دوم
-	۰	جامعه شناسی ۲	سوم
۱	۱۳	علوم اجتماعی	پیش دانشگاهی
۸	۱۰۰	۴	جمع

در کتب علوم اجتماعی دوره متوسطه نظری، با توجه به تحلیل موضوعی محتوای کتاب های یادشده، هم چنان که در جدول شماره (۴) دیده می شود، در



پایه اول ۸۷ درصد، در پایه دوم ۰ درصد، در پایه سوم ۰ درصد و در پایه چهارم (پیش‌دانشگاهی) ۱۳ درصد به شاخصه اخلاق در بُعد اقتصادی با مصادیق یادشده، پرداخته شده است که از نظر کمی در پایه اول بیشترین میزان توجه به اخلاق در بُعد اقتصادی و کم‌ترین آن در پایه دوم و سوم لحاظ شده است. ضمناً پراکندگی ابعاد و مؤلفه‌های اخلاق در بُعد اقتصادی در کتب علوم اجتماعی یکسان نبوده است، چنانکه به بعضی از مؤلفه‌ها زیاد پرداخته شده است و به برخی دیگر در حد بسیار کم یا اصلاً توجهی نشده است.

۴. آیا در کتب علوم اجتماعی متوسطه به شاخصه اخلاق در بُعد عمومی توجه شده است؟

شاخصه اخلاق در بُعد عمومی در هشت بند بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی طبقه‌بندی شده است که عبارتند از: شجاعت، فداکاری، صبر، توجه به خودسازی، عدم رواج ظاهرگرایی و مقدس‌مآبی، عدم ریاکاری، نفاق و تملق، پرهیز از زهد ناصواب و ترک دنیا و وجدان‌کاری.

جدول (۵): فراوانی و درصد میزان توجه به شاخصه اخلاق‌مداری در بُعد عمومی

موضوع درس: اخلاق‌مداری در بُعد عمومی		نام کتاب	پایه کلاس‌ها
فراوانی	درصد فراوانی		
۱	۹	مطالعات اجتماعی	اول
۱	۹	جامعه‌شناسی ۱	دوم
۴	۳۶	جامعه‌شناسی ۲	سوم
۵	۴۶	علوم اجتماعی	پیش‌دانشگاهی
۱۱	۱۰۰	۴	جمع

در کتب علوم اجتماعی دوره متوسطه نظری، با توجه به تحلیل موضوعی محتوای کتاب‌های یادشده، هم‌چنان که در جدول شماره (۵) دیده می‌شود، در پایه اول ۹ درصد، در پایه دوم ۹ درصد، در پایه سوم ۳۶ درصد و در پایه چهارم

(پیش‌دانشگاهی) ۴۶ درصد به شاخصه اخلاق در بُعد عمومی با مصادیق یادشده، پرداخته شده است که از نظر کمی در پایه چهارم (پیش‌دانشگاهی) بیشترین میزان توجه به اخلاق در بُعد سیاسی و کم‌ترین آن در پایه اول و دوم لحاظ شده است. ضمناً پراکندگی ابعاد و مؤلفه‌های اخلاق در بُعد عمومی در کتب علوم اجتماعی یکسان نبوده است، چنانکه به بعضی از مؤلفه‌ها زیاد پرداخته شده است و به برخی دیگر در حد بسیار کم یا اصلاً توجهی نشده است.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که بیان شد، از ارکان اساسی سعادت در زندگی مادی و معنوی بشر، فضیلت‌های اخلاقی و خلیات حمیده است که در سایه آن روابط اجتماعی تحکیم یافته، تعاملات مهرآمیز بسط و گسترش می‌یابد و روح شور و نشاط در کالبد زندگی فردی و اجتماعی دمیده می‌شود. نتیجه مستقیم این فضیلت، تکامل نوع انسان در مسیر الهی حیات و کام‌روایی بشر خواهد بود. تردیدی نیست که پیامبران الهی پایه‌گذاران نهضت‌های اخلاقی هستند؛ زیرا آنان در طول تاریخ رسالت خود، برای تربیت انسان‌ها، ضوابط و اصول اخلاقی متعالی را ارائه داده‌اند؛ آنان با تهذیب نفس و تطهیر قلوب، آلودگی‌ها و کدورت‌ها را از دل و جوامع زدوده و برای کمال انسان فضایی معطر به عطر دل‌انگیز محاسن اخلاقی پدید آورده‌اند. همان‌گونه که پیامبر بزرگوار اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، اساس و هدف بعثت خویش را متمیم مکارم اخلاقی دانسته‌اند. (ربی‌پور و صمدی‌وند، ۱۳۸۹: ۲۲۱-۲۲۸)

با توجه به اطلاعات به‌دست آمده از کتاب‌های تحلیل‌شده، ابعاد اجتماعی شاخصه اخلاق بیشترین درصد توجه و ابعاد اقتصادی و عمومی کم‌ترین میزان توجه را به خود اختصاص داده‌اند. ضمناً به بُعد اقتصادی در پایه‌های دوم و سوم توجهی نشده است و این در حالی است که رعایت ارزش‌های اخلاقی اسلام در



حوزه اقتصاد نه تنها مانع شکوفایی آن نیست؛ بلکه موانع را برطرف می نماید که نمونه های آن را به وفور می توان در صدر اسلام و دوران شکوفایی تمدن اسلامی مشاهده کرد. آمیختن ارزش های اخلاقی با اقتصاد از ایده های ناب اسلامی است که هدف آن تأمین رفاه مادی و سعادت اخروی انسان است؛ چراکه اخلاق اقتصادی، مجموعه ای از صفت و رفتارهایی است که به منظور دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و مطلوب، سالم سازی فعالیت های اقتصادی و مصرف بهینه است و فرد مسلمان در پرتو اعتقادات دینی، خود را ملزم به انجام دادن یا ترک آن ها می داند؛ بنابراین، می طلبد که در کتب یادشده، موضوعات اقتصاد اسلامی با مضامین مختلف طراحی و ارائه شوند.

یکی دیگر از ضروریات مهم، ایجاد ارتباط مطالب و پیوستگی آن ها در پایه ها است، به طور مثال در بُعد اقتصادی در سال اول، یک فصل کامل از کتاب به آن اختصاص می یابد؛ اما در سال های بعد این روند ادامه پیدا نمی کند و این یکی دیگر از خلاءهایی است که باید برای آن چاره اندیشی شود و این خود بدقواره گی را در بین کتب علوم اجتماعی به وجود می آورد و می طلبد مسئولان امر در صورت صلاحدید و با مشورت با اساتید فن برای رفع این مشکل برآیند.

منابع

۱. ابراهیم زاده، عیسی، فلسفه تربیت، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۶.
۲. اسماعیلی فر، سمیه، «بررسی رابطه اخلاق با دین از دیدگاه علامه طباطبائی»، فصلنامه پژوهش نامه اخلاق، سال چهارم، شماره ۱۳۹۰، ۱۱، ص ۱۲۹ تا ۱۶۰.
۳. ایمانی، محسن و بابائی، محمداسماعیل، «ارزش شناسی فارابی و دلالت های آن در تربیت اخلاقی»، دو فصلنامه تربیت اسلامی، سال سوم، شماره ۷، ۱۳۸۷، ص ۸۱ تا ۱۰۴.
۴. آتشک، محمد و دیگران، «بازتاب مفاهیم اخلاق جهانی در اهداف آموزش و پرورش ایران»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال هفتم، شماره ۱۳۹۱، ۲، ص ۶۴ تا ۷۳.
۵. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، جلد اول، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۸۴.
۶. بختیار نصرآبادی، حسنعلی و همکاران، «نسبت عقلانیت انتقادی با اخلاق اجتماعی»، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۱۳۹۰، ۵۹، ص ۱۳۹ تا ۱۶۵.
۷. جمال زاده، احمد، «سیره شناسی و تربیت دینی»، مجله مطالعات ایرانی، سال پنجم، شماره ۱۰، ۱۳۸۵، ص ۷۱ تا ۹۰.
۸. جمالی زاده، حکیمه، «شناسایی و طبقه بندی آموزه ها و مفاهیم اخلاقی کتاب های درسی مقطع ابتدایی»، کرمان، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۸۴، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی.
۹. حجتی، سیدمحمدباقر، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
۱۰. خواص، امیر و همکاران، فلسفه اخلاق، قم: نشر معارف، ۱۳۸۸.
۱۱. ربی پور، محمدعلی و صمدی وند، منوچهر، «اخلاق مدیریت از منظر آیات و روایات»، مجله فراسوی مدیریت، سال چهارم، شماره ۱۵، ۱۳۸۹، ص ۲۲۱ تا ۲۲۸.

۱۲. زرین پوش، فتانه، «تربیت اخلاقی در دوره دبستان»، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۶۶، پایان نامه کارشناسی ارشد.
۱۳. سادات، محمدعلی، اخلاق اسلامی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
۱۴. شعبانی، زهرا، «بررسی تطبیقی برنامه های درسی دینی و اخلاقی دوره ابتدایی در ایران و چند کشور جهان»، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال بیست و یکم، شماره ۴، ۱۳۸۴، ص ۱۲۰ تا ۱۴۰.
۱۵. شکوهی، غلامحسین، تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.
۱۶. شمسینی غیاثوند، حسن، «واکاوی گفتمان اخلاق در اندیشه سیاسی در عصر اطلاعات»، فصلنامه پژوهش های سیاسی و بین الملل، سال اول، شماره ۳، ۱۳۸۹، ص ۲۹ تا ۴۹.
۱۷. علی زاده، اعظم و دیگران، «شناسایی و طبقه بندی آموزه ها و مفاهیم اخلاقی در کتاب های درسی پایه اول دوره راهنمایی»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، شماره ۴، ۱۳۸۸، ص ۹۰ تا ۱۰۱.
۱۸. غلامی، علی رضا، «اخلاق سازمانی؛ مشکلات، موانع و راه کارها»، دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال ششم، شماره ۲۵، ۱۳۸۸، ص ۶۵ تا ۸۵.
۱۹. فرمهینی فراهانی، محسن و همکاران، «بررسی تربیت اخلاقی از منظر امام صادق (علیه السلام)، دو ماهنامه دانشور رفتار، سال شانزدهم، شماره ۳۹، ۱۳۸۸، ص ۶۵ تا ۷۹.
۲۰. فرهود، داریوش، «مروری بر تاریخچه اخلاق»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال دوم، شماره ۱ و ۲، ۱۳۸۶، ص ۶ تا ۱۶.
۲۱. کلبعلی، ایراندخت، «بررسی محتوای کتاب های دینی، تعلیمات اجتماعی و ادبیات فارسی مقاطع ابتدایی و راهنمایی در رابطه با

ارزش های اسلامی ایرانی»، فصلنامه دانش و پژوهش در علوم تربیتی، سال دوم، شماره ۳، ۱۳۸۴، ص ۶۹ تا ۷۷.

۲۲. مروتی، سهراب و ساکی، سارا، «معناشناسی واژه اخلاق در قرآن کریم»، مجله قرآن و حدیث، ۱۳۹۰، ص ۲۷ تا ۵۹.

۲۳. معصومی نیا، غلام علی، «اخلاق اقتصادی (مبانی بینشی، آموزه ها و آثار)»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۶، ۱۳۸۶، ص ۱۱۹ تا ۱۴۸.

۲۴. مفتاح، محمدهادی، «اخلاق سیاسی در رفتار پیامبر ﷺ»، فصلنامه علوم حدیث، سال سیزدهم، شماره ۲، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲ تا ۱۲۸.